

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)  
دوره جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۴

## رهیافت تجدید حیات شهری در راستای کاهش فرسودگی و فقر شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم شهر کاشان)

محسن شاطریان<sup>۱</sup> و زکیه اکبری ارمکی<sup>۲</sup>  
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۲/۱۸، تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۴/۲۹

### چکیده

مشکلات شهری ناشی از افت و فرسودگی شهری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی با افزایش تمایلات جمعیت برای مهاجرت به مناطق شهری و شهرنشینی روبه گسترش است. در نتیجه گسترش فرسودگی درون شهرها یا در پیرامون آنها مناطقی شکل گرفتند که بازگوکننده وضعیت فقر و افت شهری‌اند. هدف این مقاله، بررسی امکان بهره‌گیری از رهیافت تجدید حیات شهری برای کاهش فرسودگی و فقر شهری در بافت قدیم شهر کاشان است. روش کار مبتنی بر روش مطالعات میدانی و اسنادی و کتابخانه‌ای است که با بکارگیری ابزارهای پرسشنامه و مطالعه متون و منابع و اسناد موجود در ارتباط با بافت قدیم شهر کاشان انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های افت و فرسودگی شهری و همچنین شاخص‌های فقر شهری در بافت قدیم شهر کاشان به صورت ترکیبی از شرایط نزول کیفیت کالبدی و عملکردی بافت عمل کرده‌اند و ارتباط شاخص‌ها، مؤید فرضیات تحقیق است که ارتباط بین فرسودگی کالبدی و فرسودگی عملکردی و نظارت پایین سازمان‌ها و سیستم‌های کنترل و هدایت شهری و نبود یا اجرای نامناسب برنامه‌های شهری بر تشدید فقر در تمامی جنبه‌ها در بافت فرسوده شهری و نزول سطح کیفیت زندگی منجر شده است.

کلیدواژگان: رهیافت تجدید حیات شهری، فقر شهری، فرسودگی شهری، فرایند برنامه‌ریزی، بافت تاریخی شهر کاشان.

---

۱. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه کاشان، shaterian@kashanu.ac.ir  
۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، z.akbariarmaki@gmail.com

## مقدمه

شهرها به خاطر دارا بودن بسیاری از ابعاد گوناگون محرومیت چون کمبود دسترسی به فرصت‌های اشتغال و مسکن، زیرساخت‌های نامناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیق‌اند. مجموعه این عوامل در شکل‌گیری فقر شهری مؤثراند. فقر شهری تنها محدود به ویژگی‌های نامبرده نبوده و اشاره به شرایط ناپایداری منجر به آسیب‌پذیری و ناتوانی در مقابل آسیب‌ها نیز دارد. فقر شهری ضرورتاً به معنای ناتوانی در انجام فعالیت‌های اقتصادی نیست و شهرها فرصت‌های اقتصادی بیشتری برای مهاجران کم‌درآمد فراهم می‌کنند ولی در مقابل فرصت‌های محدودی را در مشارکت برای اداره شهر، برخورداری از خدمات و فرصت‌های توسعه نیز مهیا می‌کنند (Baharoglu, 2002:126). چنین مشکلاتی گاه در بخشی از شهر با تمرکز بیشتری خود را نشان می‌دهند. تمرکز فضایی مشکلات محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی که به صورت سطوح بالای بیکاری، فقر و آلودگی محیطی ظاهر می‌گردند، افت شهری<sup>۱</sup> را سبب می‌شوند (Roberts, 2000: 64).

به عبارت دیگر افت شهری به روندی گفته می‌شود که در آن شهر یا قسمتی از آن دچار رکود می‌شوند. این پدیده با علایمی چون کاهش جمعیت، ترک مالکیت، بیکاری بالا، فروپاشی خانواده‌ها و منظر شهری نامناسب بروز می‌نماید. افت شهری دارای دو شاخص کارکردی و توصیفی می‌باشد. از نظر توصیفی افت شهری هنگامی رخ می‌دهد که جمعیت دچار کاهش شود و از نظر کارکردی افت شهری هنگام تغییر ساختار و کارکرد شهر و یا انباشتگی شهری رخ می‌دهد. در واقع افت ساختاری هنگامی رخ می‌دهد که شهر دیگر برآورده‌کننده نیازهای ساکنین و تأمین‌کننده پایه اجتماعی جامعه نباشد (UNEP, 2004:7).

برای حل مشکلات شهری ناشی از افت شهری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی آن راهبرد ها و نظریات مختلفی ارائه گردیده است که در رهیافت تجدید حیات شهری قابل خلاصه است. این رهیافت به عنوان سیاست جامع شهری از سال ۱۹۸۰ در

## 1. Urban Decline

بسیاری از کشورها به ویژه بریتانیا مورد توجه قرار گرفت و از سال ۱۹۹۰ به طور گسترده به منظور حل مشکلات شهری در شهرهای مختلف جهان و در زمینه های مختلف به کار رفته است.

شهر کاشان به عنوان قطب شهری نخست در منطقه کاشان، با رشد تمایلات به شهرنشینی روبه رو گشته است. توان های محدود شهری در پاسخگویی به جمعیت مهاجر، سبب بروز مشکلات ناشی از افت شهری در بسیاری از مناطق و محلات شهر گشته. بافت قدیم به علت مشکلات ناشی از فرسودگی و کمتر بودن امکانات شهری در بافت از یکسو، و مشکلات اقتصادی و اجتماعی در افزایش جمعیت و امکانات مورد نیاز آنها از سوی دیگر، با مشکلات افت شهری به صورت مضاعف روبه رو است. فقر ناشی از نبود امکانات و تسهیلات در کنار فقر اقشار ساکن، بهبود وضعیت در این بافت ها را با روند کندی همراه می سازد. تأثیر شاخص های فرسودگی شهری در گسترش فقر در بافت قدیم شهر کاشان در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

#### پیشینه تحقیق

روبرت و سایکس در سال ۲۰۰۰ در کتابی تحت عنوان "تجدید حیات شهری" به بررسی ماهیت این رهیافت، ابعاد و زمینه های عمل رهیافت و تأثیرات این رهیافت بر مسئله افت و فرسودگی شهری و پس از بررسی ارکان اصلی رهیافت شامل مشارکت، پایداری و دیدگاه راهبردی به مطالعه و تشریح تأثیرات این رهیافت بر نمونه های موردی می پردازد (Robert and Sykes, 2000). بهار اوقلو و کسیدز نیز در پژوهشی تحت عنوان راهبردهای کاهش فقر در بخش فقر شهری، به تعریف مسئله فقر شهری، ویژگی و شاخص های شناسایی فقر شهری، و نحوه اندازه گیری فقر شهری با استفاده از شاخص ها و نماگرها، و استفاده از چارچوب های سیاستی برای کاهش فقر شهری در قالب فعالیت های بخش خصوصی، بخش دولتی (دولت مرکزی) و جامعه شهری تحت عنوان راهبردهای شهری برای کاهش فقر می پردازند (Baharoglu and Kessides, 2002). مجیدی خامنه و محمدی در پژوهشی تحت عنوان درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری، به شناخت سنجش و تحلیل فقر در مقیاس شهر و

محلات شهری به‌منظور تبیین فقر شهری از طریق نماگرها و شاخص‌ها جهت تعیین محلات و پهنه‌های فقیرنشین شهری جهت بهره‌گیری برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران در ارائه برنامه‌ها و مدیران شهری را در اجرای برنامه‌های کاهش فقر شهری پرداخته‌اند (مجیدی و محمدی، ۱۳۵:۱۳۸۴).

آیینی و اردستانی در پژوهش (بازآفرینی و مشارکت مردم) ضمن اشاره به اینکه: در بافت‌های فرسوده شهری فقر کالبدی و فقر خدماتی متراکم شده و بدلیل فقر اقتصادی امکان تغییر خودبخودی و ارتقاء محیط زندگی مناسب تقریباً از بین رفته است؛ برای توانمندسازی آحاد مرتبط با بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری اقدام و برنامه‌ریزی در سه محور را لازم می‌دانند: ایجاد انگیزه موثر بین مالکان، سازندگان و سرمایه‌داران غیردولتی؛ ایجاد فضای اعتمادآفرین برای مشارکت مالکان، سازندگان و سرمایه‌گذاران غیردولتی با همدیگر؛ ایجاد بستر قانونی مناسب برای التزام مردم به نوسازی و یا مشارکت در امر نوسازی و رفع موانع قانونی موجود و به این نتیجه می‌رسند که در صورت فراهم شدن موارد انگیزشی موثر و نیز فضای اعتمادآفرین، اکثر مردم و بخش خصوصی با جریان نوسازی همراه می‌شوند (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۲).

اسماعیل‌پور و دیگران در پژوهشی با عنوان بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛ به بررسی کاربرد بازآفرینی شهری به‌منظور کاهش مجموعه عوامل ایجاد و تقویت‌کننده فقر و محرومیت در محله کشتارگاه یزد پرداخته و به این نتیجه رسیدند که پدیده فقر اقتصادی، فقر اجتماعی- فرهنگی و فقر خدماتی به‌طور نسبی بر این سکونتگاه انسانی حاکمیت دارد و مردم عزم جدی برای همکاری و مشارکت در مراحل مختلف پروژه‌های فقرزدایی را دارند و بالاخره راهبرد بسیج اجتماعی شیوه مناسبی برای ارتقا شرایط مردم و سکونت در محله کشتارگاه است (اسماعیل‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

### مبانی نظری

افت نواحی درونی شهرها، فرسودگی و محرومیت شهری و بکارگیری رهیافت تجدید حیات شهری بافت‌های فرسوده به‌علت گذشت زمان و عدم سرمایه‌گذاری لازم در نگهداری از آنها با ویژگی‌های خاصی مواجه هستند که شامل موارد ذیل است: عدم دسترسی به درون بافت، فقدان

تاسیسات زیربنایی مناسب، مشکلات زیست‌محیطی و بالا بودن حجم آلودگی، کمبود امکانات گذران اوقات فراغت، فقر و محرومیت، آسیب‌پذیری در برابر زلزله، سرانه کم خدمات، جمعیت زیاد (تراکم بالای جمعیت)، تراکم ساختمانی کم دوام، ناامنی و معضلات اجتماعی (عندلیب، ۱۳۸۵: ۲). مراد از فرسودگی، ناکارآمدی و کاهش کارایی یک بافت نسبت به کارآمدی سایر بافتهای شهری است (شفائی، ۱۳۸۵: ۸).

بسیاری از شهرهای جهان در زمانی از زندگی خود و به درجاتی مختلف دچار افت (چه در نواحی درونی و چه پیرامون شهر) و شکل‌گیری نواحی مخروبه و فقیرنشین شده‌اند. این گونه نواحی (به ویژه نواحی درونی شهری) به دلیل مجاورت با ناحیه تجاری- اداری شهرها و استقرار بر زمین گران‌قیمت شهری و به دلایل مختلف قادر به تطبیق و تطابق خود با ساختار و فرایند توسعه و دگرگونی سایر نواحی شهر نبوده و نتوانسته‌اند به تجدیدحیات خود بپردازند. در بررسی و تحلیل افت نواحی دچار افت شهری نه تنها به علل و ریشه‌ها (ساختار نابرابر اجتماعی- اقتصادی) بلکه، به معلول‌ها و علایم مرض نیز توجه شده است. بسیاری بر این باورند که برای شناسایی و مقابله با ریشه‌های افت و محرومیت شهری باید ابتدا علایم مرض را بهتر، دقیق‌تر، عمیق‌تر و کارشناسانه‌تر شناسایی نمود و به آنها از دو زاویه نگرینست، که عبارتند از (دانشپور، ۱۳۸۱):

ظاهر فرسوده محلات مسکونی، کیفیت پایین مسکن، کهنگی، رهاشدگی و نگهداری نشدن ساختارهای کالبدی، همراه با ازدحام بالای سکونت، کمبود و حتی نبود انواع خدمات رفاهی، افت کیفیت محیطی (تنزل رتبه محیطی) و ... و افت اقتصادی.

وجود انواع مشکلات اجتماعی چون تفاوت نژادی، رفتارهای ضداجتماعی، ویرانگری و ترس افراد ساکن از آن، جرایم کوچک و ... .

روابطی در شکل‌گیری جریان افت شهری دخالت دارند که به صورت زیر قابل توجیه‌اند:

جدول ۱: جریان‌ات شکل‌گیری نظریه افت شهری

عنوان جریان	تشریح ۱
ساختارگرایی	ساختارگرایی در اقتصاد جهانی تغییراتی به واسطه ایجاد اقتصادهای نوین جهانی با نیازهای متفاوت به مکان و فضا ایجاد کرده است.
ضد شهرنشینی	کاهش عوامل مناطق روستایی و دفع عوامل افزایش در مناطق شهری منجر به تحرک جمعیت و مؤسسات اقتصادی به نواحی خارج از شهرها شد.
مارکسیست	نیاز به بیشینه کردن توان بهره‌برداری از سرمایه با به کار بردن کارگر ارزان‌تر، منعطف‌تر و کم‌حاشیه‌تر که در مناطق شهری کمتر یافت می‌شود.
بخشی یا برنامه‌ای	تأثیر ناخواسته سیاستهای برنامه‌ریزی فضایی، همچون توسعه کمربند سبز، به انتقال جمعیت و مؤسسات اقتصادی به حرکت از نواحی شهری به سمت خارج.
مالکیت افراد خارجی	افزایش مالکیت افراد خارجی بر مؤسسات اقتصادی در مناطق شهری و عدم رضایت افراد محلی از این امر.
چرخه تولید	استانداردسازی ابزار تولید که احتمال تولید محصولات مشابه در هر مکانی را فراهم می‌کردند (وابسته نبودن به مکان).

منبع: (Robert, 2000: 64)

محرومیت شهری عبارت است از سطحی از نیازهای برآورده نشده در شرایط و تجارب زندگی افراد، در حالی که سطوح درآمد و دسترسی به دیگر منابع مالی اغلب در تعیین شرایط زندگی و فعالیتهای فردی بسیار سخت است، مفهوم محرومیت به دامنه وسیع عواملی مربوط می‌شود که بر کیفیت زندگی افراد و توانایی یا ممانعت آنها از مشارکت در جامعه تأثیر می‌گذارد. همچنین محرومیت شهری به‌عنوان جنبه‌ای از شرایط ناتوانی قابل مشاهده و قابل اثبات وابسته به اجتماع محلی یا جامعه گسترده‌تر که فرد، خانواده یا گروه بدان تعلق دارند. این تعریف بر شرایطی که اجتماع با آن روبه‌رو است مانند شرایط محیط کالبدی، زیستی و اجتماعی تمرکز می‌کند. (Wong, 2006).

---

### 1.Name of Explanation

بعد از جنگ جهانی دوم، اصطلاح (تجدید حیات شهری) در اروپا و بریتانیا، عمدتاً در مقابل افول صنایع مختلف در جنگ به کار گرفته شد. پس از آن، سیاست های دولت بر تجدید حیات شهری به منظور دستیابی به اجتماع بهتر متمرکز شد. در طول دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، با فرض قطعی امکان زدودن تدریجی فقر و همچنین تأثیر حتمی تحول چشم انداز فیزیکی در منافع اجتماعی و اقتصادی، رویکرد غالب تملک در سطوح وسیع، در پیش گرفته شد. پس از آن، از نیمه های دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، با وجود وضعیت فقر و محرومیت در درون نواحی شهری، تأمین رفاه عمومی تسریع گردید. این سیاست خسارت وارده به قربانیان تحولات اقتصادی و اجتماعی را موقتاً جبران نمود. از دهه ۱۹۷۰ بسیاری از معضلات شهری، منتج از تحول ساختار اقتصادی تشخیص داده شدند. از این رو، توسعه اقتصادی برای کمک به مرمت نواحی ضرورت یافت. در دهه ۱۹۸۰، سیاست احیاء ۱ با نئولیبرالیسم ارتباط نزدیکی یافت و مثالهای متعددی از ریشه داشتن معضلات شهری در بروکراسی دولت محلی و از بین رفتن فرصت های انگیزه های سرمایه گذاری و اقدام را ارائه می دهد. در اوایل و میانه های دهه ۱۹۹۰، مشارکت های ناحیه محور محلی برای حفظ سرمایه عمومی محقق گردید. در این سیاست، کنترل منابع، انرژی و اقدامات در اجتماع محلی، برای اجرای موفقیت آمیز پروژه های تجدید حیات ضروری دانسته می شود و رویکرد پایین به بالا به منظور ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت خودیاری اجتماعی مورد نظر قرار می گیرد. در اواخر دهه ۱۹۹۰، اهداف بر توسعه سیاست ها و فعالیت های هم سو کننده برای بهبود دولت و نهادهای عمومی به منظور تجدید حیات شهری، متمرکز گردیدند.<sup>۲</sup>

از اوایل قرن بیست و یکم، سیاست جدید کل نگر و یکپارچه ای شکل گرفته که در مبحث الزامات امور شهری نمود یافته است و تجدید حیات شهری را بر پایه اصول ارجحیت

### ۱. Rehabilitation Policy

۲. سیاستهای دخالت در امور شهرها را می توان به صورت زیر بیان نمود: باز ساخت<sup>۱</sup> (دهه ۱۹۵۰ میلادی) - نوزایی (دهه ۱۹۶۰ میلادی) - نوسازی دوباره<sup>۲</sup> (دهه ۱۹۷۰ میلادی) - توسعه مجدد (دهه ۱۹۸۰ میلادی) - تجدید حیات شهری (دهه ۱۹۹۰ میلادی) / (Robberts, 2000: 14).

طراحی، توانمندی اقتصادی، پاسخگویی محیطی، دولت خوب و رفاه اجتماعی استوار می‌سازد. این سیاست ابعاد روشنی از فضاسازی را پدید آورده است (Couch et al. 2003). رهیافت تجدید حیات شهری با وقوع فرایند تغییر و افت شهری به منظور معکوس نمودن جریان روند این دو پدیده اخذ می‌گردد. به عبارت دیگر عوامل تغییر در شهر با ایجاد تحولات در سیستم‌های مختلف شهری زمینه افت شهری و مشکلات متعدد را ایجاد می‌نماید که ضرورت به‌کارگیری رهیافت تجدید حیات شهری را مطرح می‌نمایند.

ویژگی مهمی که این سیاست را از بقیه سیاست‌ها متمایز می‌کند، دید چند بعدی و همه‌جانبه نگر این سیاست می‌باشد. به دلیل اینکه شهر متشکل از زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است، تجدید حیات شهری، در واقع محصول فعل و انفعالات دایم منابع متعدد و عکس‌العملی در پاسخ به فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از افت شهری با توجه همزمان و یکسان به این ابعاد چندگانه مؤثر در شهر است. تجدید حیات شهری بینش و عمل تفصیلی و جامعی است که به حل مشکلات شهری منجر می‌شود و بهبود پیوسته‌ای در شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی ناحیه‌ای که در معرض تغییر قرار گرفته است، فراهم می‌آورد. این تعریف دربردارنده ویژگیهای اصلی تجدید حیات شهری است (Robert and Sykes, 2000: 16-17).

### فقر شهری

فقر و نابرابری یکی از پدیده‌های نامطلوب زندگی اجتماعی است که تمامی جوامع بشری کاهش و نهایتاً حذف آن را در رأس اهداف خود قرار داده‌اند. از آنجا که نابرابری و عدم دسترسی به تمامی منابع برای حذف فقر با در نظر گرفتن محدودیت‌ها در تمامی ابعاد، چه محرومیت‌های طبیعی، محرومیت‌های اجتماعی، محرومیت‌های اقتصادی و غیره، قابل حذف از زندگی انسانی نخواهند بود، پس حذف فقر سخنی دور از واقعیت خواهد بود. تعاریف موجود در خصوص تعریف فقر، به چند طریق قابل دسته‌بندی است. عمده‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی فقر به دو گروه فقر عینی و فقر ذهنی، و تقسیم‌بندی فقر از منظر دیدگاه‌های موجود در این زمینه، شامل دیدگاه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های اجتماعی در تعریف فقر است. از آنجا که دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی در تعریف فقر در منابع مختلف



پذیرفته شده‌تراند، تعاریف منابع مختلف در خصوص فقر مورد بررسی قرار گرفته و سپس بر اساس دو دیدگاه یاد شده، در جدولی تعاریف مطرح شده به جهت مناسبت با تقسیم‌بندی‌های دیگر معرفی می‌شوند.

جدول ۲: تقسیم‌بندی تعاریف فقر

اجتماعی	اقتصادی	دیدگاه تعاریف
محرومیت از قابلیت‌های اساسی	فقدان منابع برای کسب انواع رژیم های غذایی، مشارکت در فعالیتها و شرایط و امکانات معمول زندگی، عدم توانایی فرد یا خانواده برای دستیابی به منابع کافی جهت تأمین نیازهای اساسی عدم دسترسی به حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است حداقل میزان دسترسی به نیازهای پایه	فقر عینی
ارزیابی افراد از فقیر بودن یا نبودن که بر تابع مطلوبیت افراد جامعه از مصرف کالا یا خدمات استوار است، و به میزان مصرف کالاها و خدمات اشاره دارد که فرد برای خود متصور است و دسترسی به میزان کمتر از آن، فقر ذهنی تعریف می‌شود.	ارزیابی افراد از فقیر بودن یا نبودن که بر تابع مطلوبیت افراد جامعه از مصرف کالا یا خدمات استوار است، و به میزان حداقلی از مصرف کالاها و خدمات اشاره دارد که فرد برای خود متصور است و دسترسی به میزان کمتر از آن، فقر ذهنی تعریف می‌شود.	فقر ذهنی
عدم دسترسی به حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است.	میزان درآمدی است که شخص با کمتر از آن نمی‌تواند احتیاجات اصلی خود را تأمین کند. حداقل میزان دسترسی به نیازهای پایه	فقر مطلق
محرومیت از قابلیت‌های اساسی	ناتوانی در کسب یک سطح معین از استاندارد های زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود	فقر نسبی
مجموعه شاخصهای کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه برنامه سازمان ملل (UNDP): معرفی شاخص ترکیبی به نام شاخص توسعه انسانی (HDI)؛ میانگین سه نماگر امید به زندگی، پیشرفت آموزشی و درآمد سرانه تبدیل شده بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) است	بانک توسعه آسیایی: محرومیت از داراییها و فرصتهایی که هر فرد مستحق آن می‌باشد برنامه سازمان ملل (UNDP): شاخص فقر انسانی (HPI)	تعاریف نهادهای بین المللی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲، بر مبنای (Townsend, ۱۹۷۹:۳۱), (Sen, ۱۹۸۱), (Fields, ۱۹۹۴), (UNDP, ۱۹۹۰), (Piran, ۲۰۰۲:۲۵), (UN, ۲۰۰۴), (World Bank, ۲۰۰۰:۴۳)

به این ترتیب، فقر ابعاد وسیعتری یافته و از فقر درآمدی (اقتصادی) صرف به فقر قابلیت‌ی و محرومیت از توانایی‌های اساسی (فقر اجتماعی) و محرومیت از خدمات رفاهی (فقر خدماتی) تحول یافته است. از این منظر فقرزدایی نیازمند رویکردی وسیع به فقر و تمایز سه بعد مرتبط و بهم پیوسته آن است: الف. فقر درآمد و دارایی، معیشت پایدار؛ ب. فقر مشارکت و قدرت؛ ج. فقر دسترسی به خدمات اساسی (جباری، ۱۳۸۴: ۴).

**تعیین و تحلیل شاخصهای سنجش فرسودگی، افت، محرومیت شهری و فقر شهری**

تعیین و تحلیل شاخص‌های سنجش فرسودگی، افت، محرومیت شهری و فقر شهری با هدف تعیین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فقر شهری، محرومیت و فرسودگی و افت شهری بر موفقیت رهیافت تجدیدحیات شهری در رویارویی با فقر در شهرها مستلزم سنجش چگونگی و اثرات آنها بر نواحی خرد شهری است. شاخصهای سنجش فرسودگی، افت، محرومیت و فقر شهری به‌عنوان ابزار سنجش نمونه موردی در به‌کارگیری رهیافت تجدیدحیات شهری برای رویارویی با فقر در شهر کاشان استفاده می‌شود. شاخص‌های سنجش محرومیت و فقر شهری، بر پایه عرصه‌های موضوعی و عوامل مرتبط با هر یک از عرصه‌های تعیین شده در توصیف و تبیین رهیافت تجدیدحیات شهری و فقر شهری، معرفی می‌شوند.

جدول ۳: جدول معرفی شاخصهای سنجش محرومیت شهری و فقر شهری

عامل سنجش محرومیت و فقر شهری	عرضه‌های موضوعی تعیین و تحلیل شاخصهای سنجش محرومیت و فقر شهری	
	سطح کلان	سطح خرد
اعتبارات	درآمد خانوار نسبت به متوسط درآمد جامعه، بار تکفل، نرخ مالکیت مسکن، دسترسی به اعتبارات	درآمد
	نرخ بیکاری، نرخ اشتغال در بخش غیررسمی، فقدان مهارت‌های شغلی	اشتغال
	پایین بودن قیمت و اجاره بهای مسکن	ارزش زمین و فضاهای ساخته شده
درصد بیماری و نرخ معلولیت، عرضه ناکافی آب آشامیدنی، بهداشت نامناسب، درصد سهم هزینه‌های درمانی خانوارها، درصد دسترسی به خدمات بهداشت و درمان، میزان تمرکز آلودگی‌ها	سلامت	جنبه جمعیتی - اجتماعی
محرومیت از آموزش برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال، درصد میزان هزینه‌های آموزشی خانوارها، شکاف جنسی در کسب سواد و یادگیری، نرخ باسوادی، تعداد و کیفیت خدمات آموزشی	آموزش	
بزهکاری و خشونت، نرخ وقوع جرایم، میزان دسترسی به پلیس و سامانه‌های حمایتی قانونی، درصد خانوارهای برخوردار از حق اقامت و مالکیت قانونی در سکونتگاه‌ها/ واحد مسکونی.	امنیت	
دسترسی عموم به اطلاعات راجع به تصمیمات اداره کنندگان محلی، خدمات و برنامه‌های اجرایی، مشارکت و درگیری شهروندی در تصمیمات برنامه‌ریزی‌های مهم، میزان رایزنی‌های عمومی در تصمیمات مالی نهادهای اداره محلی. میزان مشارکت و میزان حضور ساکنین در فعالیت‌های اجتماعی	مشارکت	
نسبت جمعیت مهاجر، نسبت سنی و جنسی جمعیت، بعد خانوار	جمعیت	
بالاتر بودن تراکم جمعیتی، پایین بودن دسترسی و نسبت جمعیت به خدمات، شکل و عرض شبکه معابر، ساخت و ساز مسکن در اراضی که از حیث زمین شناختی، در معرض ریزش کوه، زمین لرزه یا طغیان قرار دارند، واحدهای مسکونی که در مجاورت محل دفن زباله‌ها احداث شده‌اند. واحدهای مسکونی احداث شده در مناطقی که دارای آلودگی ناشی از فعالیتهای صنعتی هستند، واحدهای مسکونی در مجاورت مناطق پرخطر حفاظت نشده، مانند خطوط راه‌آهن، فرودگاه‌ها، خطوط انتقال حامل‌های انرژی، میزان و نوع آلودگی‌های زیست محیطی	کیفیت محیط مسکونی	جنبه کالبدی - محیطی
	بالا بودن نرخ نفر و خانوار در واحد مسکونی، پایین بودن مساحت زیربنا و شکل قطعات مسکونی، برخورداری از تأسیسات آب، برق، گاز و تلفن در واحد مسکونی، انطباق با مقررات محلی ساختمانی، استانداردها، قوانین، استحکام و دوام سازه	

مأخذ: نگارندگان

### فرضیات تحقیق

فرسودگی کالبدی و فرسودگی عملکردی بافت قدیم شهر کاشان تشدیدکننده فقر در تمامی جنبه‌ها در این بافت شهری است که به نزول سطح کیفیت زندگی در منطقه می‌انجامد. نظارت پایین سازمانها و سیستم‌های کنترل و هدایت شهری و نبود یا اجرای نامناسب برنامه‌های شهری بر تشدید فقر در منطقه و فرسودگی بافت مؤثر است.

### روش تحقیق

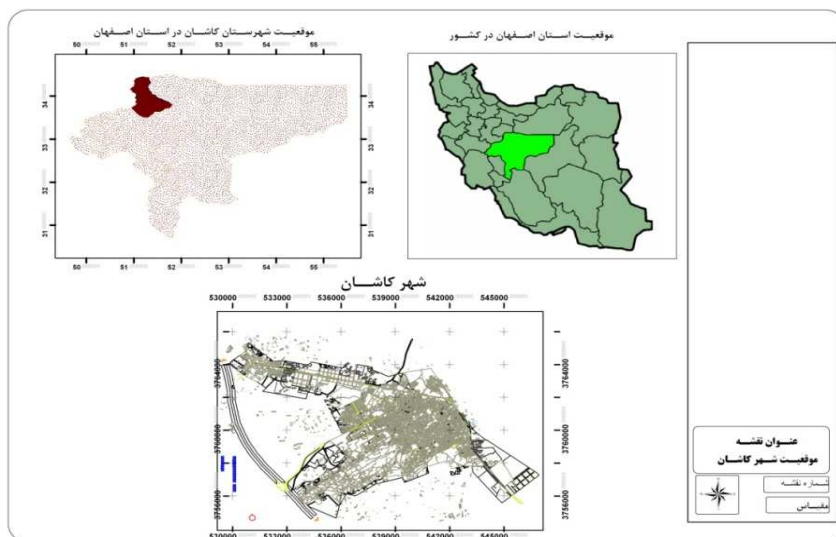
نگرش حاکم بر این پژوهش، مبتنی بر روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اقدام به جمع‌آوری تعاریف، نظریات، تئوریها، و مستندات در خصوص مسئله افت و فرسودگی شهری، فقر شهری و رهیافت تجدید حیات شهری و بکارگیری از آن برای کاهش فقر شهری و معرفی ویژگیهای بافت قدیم شهر کاشان و استفاده از رهیافت تجدید حیات شهری برای رویارویی با فقر شهری در این منطقه از شهر کاشان گردیده است. در روند مطالعاتی طی شده، بخش قابل توجهی از اطلاعات موردنیاز در بررسی بافت تاریخی و فرسوده شهر کاشان ابتدا اطلاعات و داده‌های موردنیاز از مراکز آماری (مرکز آمار ایران و مرکز آمار شهرستان) و همچنین مرور اسناد و مدارک موجود مانند گزارش اسناد بالادست، کتب، مقالات و مجله‌ها جمع‌آوری شد. در ادامه به مشاهده میدانی و مصاحبه و گفتگو با اهالی ساکن در محدوده و همچنین با مسئولین و مجریان دولتی پرداخته شد. سپس به منظور دستیابی به اطلاعات کمی و توصیفی مور نیاز، به انجام یک پیمایش میدانی مبادرت گردید: در ابتدا در محدوده تعدادی پرسشنامه تکمیل گردید و در مرحله بعد سؤالات با توجه به پیش‌آزمون تعداد محدودی پرسشنامه به‌عنوان پرسشنامه اولیه و نتایج به دست آمده از پرسشنامه اولیه اصلاح شد و در نهایت پرسشنامه نهایی تهیه شده شامل تعدادی سوال باز و بسته و همچنین گویه است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران مشخص شد. انتخاب حجم نمونه براساس تعداد خانوار انجام گرفته است و به این صورت که در بافت تاریخی به تعداد ۳۶۵ پرسشنامه پلاکهای مسکونی منزل با روش نمونه‌گیری انتخاب تصادفی سیستماتیک انتخاب شد تا با تکنیک مصاحبه حضوری با ساکنین تکمیل شوند. پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل و در ادامه، با توجه به تکنیکهای

منخصوص روش تحقیق کیفی مانند مشاهده، مصاحبه و بحث گروهی سعی شد تا ضمن اطمینان از نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، شناخت بهتر و عمیق‌تری به دست آید و در انتها به اثبات فرضیات پرداخته می‌شود.

### بررسی و تحلیل یافته‌ها

#### بررسی وضعیت بافت قدیم و فرسوده شهر کاشان

محدوده بافت تاریخی به شش محله قدیمی شهر کاشان شامل محلات پشت مشهد بالا، بازار، طاهرو منصور، سلطان امیراحمد و درب اصفهان، محتشم و پشت مشهد پایین قابل تقسیم است. محدوده محلات قدیمی که بخش اعظم محدوده بافت فرسوده شهر کاشان را نیز شامل می‌شود دارای مساحت 482.5 هکتار است. این محلات، تمامی شهر دوران قاجار و بخش عمده توسعه شهر تا سال 1300 را در بر گرفته است. از مهمترین ویژگیهای محلات قدیمی شهر که تقریباً در تمامی آنها مشترک است می‌توان به شبکه ارگانیک، مصالح بومی عمدتاً خشت و گل، ارتفاع کم ابنیه، تعدد ابنیه واجد ارزشهای معماری و میراث فرهنگی و ساختار سنتی محلات، اشاره نمود.



نقشه ۱: موقعیت منطقه مورد مطالعه

محدوده بافت قدیم کاشان از نخستین سالهای قرن حاضر، مداخلات وسیع و بعضاً ویرانگری را تجربه نموده که در کنار تغییر مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۵۰ سال اخیر و عدم معاصر سازی بافت با توجه به ارزشهای ذاتی و نیازهای زندگی امروزی، موجبات فرسودگی کالبدی و عملکردی آن را فراهم نموده است.

جدول ۴: محلات اصلی بافت تاریخی شهر کاشان

نام محله	جمعیت	مساحت (هکتار)	درصد از کل جمعیت
پشت مشهد بالا	۱۰۷۵۷	۹۹,۸	۲۴,۱۴
بازار	۴۶۳۳	۷۶,۴	۱۰,۴
طاهر و منصور	۷۶۳۷	۸۴,۶	۱۷,۱۴
سلطان میراحمد و درب اصفهان	۸۱۸۶	۹۴,۸	۱۸,۳۸
محتشم	۵۴۸۴	۶۶,۹	۱۲,۳۱
پشت مشهد پایین	۷۸۵۵	۶۰	۱۷,۶۳
بافت تاریخی	۴۴۵۵۲	۴۸۲,۵	۱۰۰

مأخذ: طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده کاشان، ۱۳۸۹

در بررسی وضعیت محدوده شاخص‌های میزان بیکاری، نوع رده شغلی، نوع مالکیت مسکن، برخورداری از خدمات بیمه‌ای، متوسط زمان دسترسی به محل اشتغال، سرپرست خانوار و توان تعمیر یا بازسازی واحد مسکونی به‌عنوان شاخص‌های اقتصادی؛ شاخص‌های عمر بنا، ساخت واحدها، دارا بودن پروانه ساختمانی، تعداد اتاقها، دسترسی به کاربریها و امکانات و خدمات شهری، کمیت و کیفیت کاربریها و خدمات، کمیت و کیفیت خدمات درون واحدهای مسکونی به‌عنوان شاخص‌های کالبدی؛ و ساختار سنی، نسبت جنسی و وضعیت مهاجرت، تحصیلات، مدت زمان سکونت، تعلق خاطر به محل سکونت، آسیب‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شکل‌پذیری ساکنین، و میزان مشارکت و تمایل به بهسازی و نوسازی منزل مسکونی و چگونگی انجام به‌عنوان شاخص‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نتایج بدست آمده، در مورد ویژگیهای نمونه مورد بررسی در قالب به صورت جدول زیر است:

جدول ۵: توزیع متغیرهای زمینه‌ای تحقیق

جنسیت	زن	مرد	نوع مالکیت واحد مسکونی	مالکیت شخصی	واحدهای مسکونی استیجاری				
فراوانی	۱۹۳	۱۷۲	فراوانی	۲۲۸	۱۳۷				
درصد	۵۲٫۸۹٪	۴۷٫۱۱٪	درصد	۶۲٫۴۸٪	۳۷٫۵۲٪				
رده سنی	۲۰ تا ۳۰ ساله	۳۰ تا ۴۰ ساله	نوع شغل سرپرست	کارگری	مشاغل خدماتی و تولیدی	مشاغل فرهنگی	افراد بیکار، بازنشسته و از کار افتاده		
فراوانی	۹۷	۹۶	فراوانی	۶۲	۱۳۶	۶۳	۱۰۴		
درصد	۲۶٫۶٪	۲۶٫۳۲٪	درصد	۱۷٫۰۲٪	۳۷٫۱۵٪	۱۷٫۳۴٪	۲۸٫۴۳٪		
میزان تحصیلات	بی سواد	زیر دیپلم	محل اقامت پیشین	روستا	شهرستان‌های دیگر	سایر نقاط و محلات شهری			
فراوانی	۱۱۵	۱۱۸	فراوانی	۶۷	۳۳	۲۶۲			
درصد	۳۱٫۶۱٪	۳۲٫۴۷٪	درصد	۱۸٫۳۸٪	۸٫۹۷٪	۷۱٫۷۹٪			
نوع سرپرستی خانوار	پدر	مادر	مدت اقامت در بافت	کمتر از ده سال	ده تا بیست سال	بیش از بیست سال			
فراوانی	۲۸۵	۵۸	فراوانی	۱۲۳	۷۶	۱۶۵			
درصد	۷۸٫۰۹٪	۱۶٫۰۵٪	درصد	۳۳٫۸۳٪	۲۰٫۸۵٪	۴۵٫۳۲٪			

منبع: نگارندگان بر مبنای پرسشنامه، ۱۳۹۳

۱۹/۷ درصد دارای هزینه ماهانه تا سقف ۲۰۰ هزار تومان، ۱۹/۹ درصد، دارای هزینه ماهانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۲۳/۸ درصد دارای هزینه ماهانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۳۱/۴ درصد دارای هزینه ماهانه ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان ۵/۳ درصد دارای هزینه ماهانه بیش از ۶۰۰ هزار تومان است. هزینه ماهیانه خانوار به طور متوسط ۳۴۰ هزار تومان، میانه و نما ۳۰۰ هزار تومان است که در مقایسه با متوسط میزان هزینه ماهیانه در شهر کاشان که ۵۱۳ هزار تومان است، افراد ساکن در این منطقه در گروه‌های درآمدی پایین قرار می‌گیرند.

در بررسی وضعیت خدمات و کاربریهای مورد نیاز به کیفیت کاربریهای عمومی در بافت اشاره می‌شود. با توسعه شهر خارج از مرزهای شهر قدیم و عدم توجه کافی به بافت قدیم، هماهنگی مناطق جدید با نیازهای جدید ارتباطی و کهنگی بافت در چشم نسلهای در جستجوی

شیوه‌های جدید زیست، بخش عظیمی از جمعیت بومی و اصیل بافت در دهه‌های اخیر در سکونتگاه‌های تازه شکل گرفته سکنی گزیده‌اند. خالی شدن بافت از جمعیت اصیل خود موجب بی‌مهری روزافزون به آن و ارزشهای تاریخی و فضایی اش شده و فضاها را رها شده، مخروبه و متروکه در مقیاس وسیعی در آن شکل گرفته‌اند. ورود مهاجران در جستجوی فرصت‌های جدید شهری به کاشان و ساکن شدن آنها در بافت قدیم، در ناآشنایی به ارزشهای زندگی و سکونت در بافت کهن موجب سرعت بخشیدن به دگرگونی عملکردی و کاستن از اهمیت تاریخی آن شده است.

در هر حال، در حال حاضر بافت قدیم یا در واقع شهر قدیم کاشان بسیاری از عملکردهای حیاتی سنتی خود را از دست داده است. بازار هر چند که هنوز نیز راسته‌ها و محورهای خود را فعال نگه داشته و جمعیت بسیاری را در طول روز به سوی خود می‌کشد. اما شکل‌گیری بسیاری از محورهای جدید از اهمیت تاریخی بازار به میزان قابل ملاحظه‌ای کاسته است. جمعیت ساکن در بافت هر چند که متراکم‌ترین محدوده‌های شهر را شکل داده اند اما تغییرات جمعیتی در آن همراه با تغییر شیوه‌های زندگی موجب شده است که بافت قدیم کاشان در انتخاب محل سکونت افراد شهر جزو اولویت‌های آخر قرار گیرد.

مقایسه کاربری‌های موجود در بافت قدیم با کل شهر نشان دهنده تراکم و تنوع کاربری‌های شهری در بافت است. در مقایسه وضع موجود شهر و بافت قدیم، کاربری مسکونی موجود در بافت قدیم دارای سطحی معادل 50 درصد از کل بافت است و در مقایسه با کل شهر به میزان 20.6 درصد از ضریب سکونت بالایی برخوردار است. اما سرانه کاربری مسکونی در بافت به عللی چون گرایش به خانه‌های بزرگ و همچنین کاهش جمعیت و تعداد خانواده‌های ساکن در این خانه‌ها، بیش از کل شهر است. همچنین کاربریهای کار و فعالیت و خدمات رفاهی و عمومی نیز چه به لحاظ سطح و چه به لحاظ سرانه نسبت به کل شهر فزونی قابل توجهی را نشان می‌دهد و نمایانگر اهمیت عملکردی بافت کهن در کاشان است. از نظر کاربریهای تاسیسات و تجهیزات شهری و شبکه معابر اختلاف قابل توجهی میان بافت قدیم و شهر وجود دارد و کم بودن این گروه از کاربریها در بافت می‌تواند از علل کاهش اهمیت عملکردی آن باشد.



جدول ۶: مساحت و سرانه کاربریها در بافت تاریخی کاشان در مقایسه با کل شهر

کاربری	کل شهر			بافت قدیم		
	سطح (هکتار)	درصد	سرانه (مترمربع)	سطح (هکتار)	درصد	سرانه (مترمربع)
مسکونی	1140.82	20.6	50.6	244.41	50.65	54.9
کار و فعالیت	112.48	2.1	5	31.43	6.51	7.1
خدمات رفاهی و عمومی	126.01	2.3	6	43.33	8.98	9.7
فضای سبز و جنگل کاری	132.52	2.4	5.9	8.28	1.72	1.9
تاسیسات و تجهیزات شهری	196.15	3.6	8.7	0.82	0.17	0.2
اراضی خالی	1571.92	28.5	69.8	21.2	4.39	4.8
کاربریهای غیر شهری	1328.51	24.1	59	38.7	8.02	8.7
شبکه معابر	906.6	16.4	40.2	94.36	19.56	21.2
<b>جمع کل</b>	<b>5515</b>	<b>100</b>	<b>204.6</b>	<b>482.53</b>	<b>100.00</b>	<b>108.3</b>

منبع: طرح جامع کاشان، ۱۳۸۸ و طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده کاشان، ۱۳۸۹

### سنجش عوامل ایجاد و گسترش فرسودگی و فقر در بافت قدیم شهر کاشان

پرسشنامه طراحی شده برای سنجش میزان فرسودگی و فقر موجود در بافت قدیم شهر کاشان شامل ترکیب جامعی از کلیه مسائل مرتبط با شاخص‌های فرسودگی و فقر است. پرسشنامه شامل پنج گروه سؤال اصلی از ساکنان بافت قدیم شهر کاشان بوده که در آن کلیات مربوط به شاخص‌های فرسودگی و فقر را دربر گرفته است. این پنج دسته سؤالات سنجش میزان فرسودگی و فقر اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. برای سنجش علت فرسودگی و فقر روشهای مختلفی وجود دارد که با توجه به این که در این مطالعه، به نظر پرسش شونده به عنوان اهمیت‌دهنده سؤالات نیز نگاه ویژه‌ای شده است و هم ارزش سؤالات و هم وزن سؤالات را تعیین نموده است، معیار مورد نظر به صورت زیر تعریف شده است:

$$\frac{\sum_{i=1}^n \alpha_i \cdot \beta_i}{\sum_{i=1}^n \alpha_i \cdot (\max \beta_i)} \times 100$$

$\alpha_i$  میزان اهمیت هر مؤلفه (اهمیت هر سؤال پرسشنامه از نظر پاسخگو) را نشان می‌دهد.  $\beta_i$  میزان امتیاز هر مؤلفه (امتیاز هر سؤال پرسشنامه از نظر پاسخگو) است. برای این منظور نیز طیفی از بسیار کم تا بسیار زیاد در نظر گرفته شده است که امتیازدهی از 1 تا 5 را شامل می‌گردد و  $n$  تعداد مؤلفه‌ها یا سؤالات است که بسته به عامل مورد بررسی متفاوت است.

جدول ۷: ارزش عامل‌های تعیین فرسودگی و محرومیت شهری در بافت قدیم شهر کاشان

طبقه‌بندی موضوعی عامل ایجاد فرسودگی و فقر و محرومیت شهری در بافت قدیم		ارزش گویه (%)	طبقه‌بندی موضوعی عامل ایجاد فرسودگی و فقر و محرومیت شهری در بافت قدیم		ارزش گویه (%)
فرسودگی محله	وجود فضاهای دارای کاربرد ناسازگار	۵۸٫۹	مقاوم نبودن واحدهای مسکونی در برابر زلزله بالا بودن هزینه تعمیر واحدهای مسکونی نسبت به درآمد خانوار مساحت کم واحد مسکونی عمر بالای ساختمانها کمبود تعداد اتاق های واحد مسکونی فاقد پروانه ساختمانی بودن واحد مسکونی	زیست‌دگی کالبدی مسکن	۶۸٫۹
	کیفیت بصری نامناسب فضاهای ساخته شده در محلات	۴۹٫۷			۶۱٫۰۳
	آلودگیهای محیطی و آلودگیهای صوتی	۵۳٫۹			۶۰٫۸۷
	وجود فضاهایی برای تجمع افراد معنادار و توزیع مواد مخدر	۵۶٫۴			۵۸٫۶۷
	نا مناسب بودن معابر و دسترسیها	۶۹٫۳			۵۶٫۳
	نا امنی در فضاهای مسکونی در شب	۳۴٫۷			۵۴٫۸۹
کمبود امنیت در محلات	ناامنی ناشی از سرقت اموال در نواحی تجاری و نواحی مسکونی محلات	۴۵٫۷	۴۰٫۹	عدم دسترسی به خدمات رفاهی درون مسکن	۷۳٫۵
	عدم حضور امنیت بخش یا دیر رسیدگی کردن نیروهای امنیتی در محلات	۳۹٫۸	۴۷٫۲		
	تخریب اموال عمومی محلات	۶۳٫۸	۴۹٫۶		
	وقوع خشونت‌های فیزیکی در محلات	۳۹٫۵	۸۲٫۱		
محرومیت محله	کمبود دسترسی به فضاهای سبز	۴۲٫۹	نظر خواهی ناکافی مسئولان از ساکنان در مورد اقدامات مورد نیاز/ قابل اجرا در محله کمبود اطلاع رسانی و جلب مشارکت ساکنان در فعالیتهای محله‌ای عدم دسترسی به اطلاعات راجع به تصمیمات اداره کنندگان محلی شهرداری شورای شهر و ... و خدمات مورد نیاز و برنامه ها	مشارکت	۵۷٫۳
	کمبود پارکینگ	۶۳٫۱			۷۳٫۱
	کمبود مراکز اورژانس و آتش نشانی	۵۱٫۱			
	عدم دسترسی به امکانات تفریحی و خدماتی	۵۳٫۳			
	عدم دسترسی به خدمات اولیه بهداشت و درمان و بیمارستان	۵۳٫۵			
	عدم دسترسی به خدمات آموزشی	۴۹٫۶			
	عدم دسترسی به امکانات فرهنگی	۴۲٫۵۶			

منبع: نگارندگان

نتایج حاصل از بررسی مشکلات مرتبط با میزان فرسودگی و فقر از نظر ساکنین بافت قدیم شهر کاشان مرتبط با شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و محیطی در بخش‌های فرسودگی کالبدی مسکن، فرسودگی محیط محله و محرومیت محله، کمبود یا عدم دسترسی به خدمات لازم در محیط محله، کمبود امنیت در محلات، پایین بودن میزان مشارکت و توانمندی افراد ساکن در محلات، پایین بودن امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله با توجه به معیارهای ذکر شده در جدول شماره (۷) نشان داده شده است.

ترکیب عوامل ایجادکننده فرسودگی کالبدی در واحدهای مسکونی و همچنین عوامل ایجادکننده فرسودگی کالبدی و عملکردی در محیط محله با عوامل تشریح شده که تشدیدکننده عوامل ایجاد محرومیت در محلات شامل عدم دسترسیها و کمبودهاست، نتایج به دست آمده در مورد رابطه این متغیرها با فرسودگی کالبدی و عملکردی با استفاده از آزمونهای پیرسون، کندال و اسپیرمن نشان میدهد که با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از ۰/۵ است، میان این متغیرها رابطه وجود دارد.

به‌علاوه، بافت تاریخی شهر کاشان را می‌توان مرکز فعالیت شهر دانست. در حال حاضر ۳۴ درصد از کل فعالیتهای اقتصادی شهر در بافت تاریخی مستقر شده است. گسترش بی‌برنامه فضای فعالیت در این محدوده بدون توجه به فضای سکونت باعث کاهش کیفیت محیط زندگی شده است. عدم نشت منافع اقتصادی فعالیتهای موجود در بافت، در خود بافت است. به عبارت دیگر صاحبان کسب و کار در محدوده غالباً در خارج از محدوده زندگی می‌کنند و در نتیجه منافع فعالیتهای اقتصادی به خارج از محدوده جریان می‌یابد. نرخ فعالیت پایین در محدوده، سهم بالای بازنشستگان در میان سرپرستان خانوار در محدوده، توان اقتصادی پایین در محدوده، نرخ بیکاری بالا در محدوده و ... گواه عدم نشت منافع اقتصادی فعالیتهای موجود در بافت در داخل خود بافت و یا به عبارت دیگر نقش کم‌رنگ ساکنان محدوده در فعالیتهای اقتصادی آن است.

با توجه به نتایج آزمون آماری در تحلیل همبستگی بین فرسودگی و فقر و فعالیت سیستم هدایت و کنترل شهری و با در نظر گرفتن این واقعیت که در محاسبه ضرایب همبستگی اگر مقدار بدست آمده مثبت باشد به معنی این است که تغییرات دو متغیر به طور هم جهت اتفاق می‌افتد یعنی با افزایش در هر متغیر، متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد و برعکس اگر ضرایب

همبستگی منفی شد یعنی اینکه دو متغیر در جهت عکس هم عمل می‌کنند یعنی با افزایش مقدار یک متغیر مقادیر متغیر دیگر کاهش می‌یابد و برعکس.

جدول ۸: ضریب همبستگی بین شاخص‌های فرسودگی و فقر

شاخص‌های فرسودگی	آزمون	ضریب	معناداری	شاخص‌های فرسودگی	آزمون	ضریب	معناداری
شاخص‌های فقر	پیرسون	۰,۱۳۵	۰,۰۰۰	سیستم‌های هدایت و کنترل شهری	پیرسون	۰,۱۴۳	۰,۰۰۰
	کندال	۰,۱۱۵	۰,۰۰۰		کندال	۰,۱۳۲	۰,۰۰۰
	اسپیرمن	۰,۱۰۶	۰,۰۰۰		اسپیرمن	۰,۱۱۶	۰,۰۰۰

منبع: نگارندگان

بنابر آنچه بیان شد و همچنین نتیجه آزمون آماری، تأیید کننده فرضیه نخست است که فرسودگی کالبدی و فرسودگی عملکردی بافت قدیم شهر کاشان تشدیدکننده فقر (کالبدی و عملکردی) در تمامی جنبه‌ها در این بافت شهری است که به نزول سطح کیفیت زندگی در منطقه می‌انجامد. اصولاً فرسودگی در محدوده یک شهر یک یا چند دلیل اولیه دارد که آغازکننده فرسودگی هستند. مهمترین نتیجه ظهور علل اصلی، آغاز جریان کاهش کیفیت محیط است. کاهش کیفیت محیط کم کم دلایل ثانویه را نیز جذب می‌کند و یک دور باطل فرسودگی آغاز می‌شود.

ترکیب کمبود امنیت شامل امنیت کالبدی و امنیت محیطی و همچنین پایین بودن میزان مشارکت افراد و مشارکت‌پذیری سیستم‌های هدایت و کنترل شهری و شفاف نبودن فعالیت‌های سیستم‌های هدایت و کنترل شهری بیان‌کننده این مطلب که نتایج به دست آمده در مورد رابطه این متغیرها با نظارت پایین سازمان‌ها و سیستم‌های کنترل و هدایت شهری بر تشدید فقر و فرسودگی در منطقه با استفاده از آزمون‌های پیرسون، کندال و اسپیرمن نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از ۰/۵ است، میان این متغیرها رابطه وجود دارد که تأییدکننده فرضیه دوم در خصوص تأثیر نظارت پایین سازمانها و سیستم‌های کنترل و هدایت شهری و نبود یا اجرای نامناسب برنامه‌های شهری بر تشدید فقر در منطقه و فرسودگی بافت است.

## بحث و نتیجه گیری

رهیافت تجدید حیات شهری به عنوان رهیافتی جامع، عناصر رهیافت‌های پیشین مقابله با فرسودگی و فقر شهری را جامعیت بخشیده و برای نیل به نتیجه بهتر عناصر اصلی خود را در قالب سه عنصر اصلی مشارکت، تفکر راهبردی و پایداری معرفی می‌کند. مشارکت، راهبرد و پایداری سه ضلع مثلث رهیافت تجدید حیات شهری را تشکیل می‌دهند. این سه، پایه‌ای برای اقدام جامع و تفصیلی ارائه می‌نمایند و هر یک نقش ویژه‌ای را در رهیافت تجدید حیات شهری ایفا می‌کنند.

به طور کلی، نتایج تحقیق بیانگر این است که با توجه به کاربرد شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی معرفی شده در تعیین فرسودگی و فقر شهری در بافت قدیم شهر کاشان، شاخص‌های اقتصادی (میزان بیکاری، نوع رده شغلی، نوع مالکیت مسکن، برخورداری از خدمات بیمه‌ای، متوسط زمان دسترسی به محل اشتغال، سرپرست خانوار و توان تعمیر یا بازسازی واحد مسکونی) بیان‌کننده وجود فقر و فرسودگی اقتصادی؛ شاخص‌های اجتماعی (ساختار سنی، نسبت جنسی و وضعیت مهاجرت، تحصیلات، مدت زمان سکونت، تعلق خاطر به محل سکونت، آسیب‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تشکل پذیری ساکنین، و میزان مشارکت و تمایل به بهسازی و نوسازی منزل مسکونی و چگونگی انجام) بیان‌کننده وجود فقر و فرسودگی اجتماعی؛ و شاخص‌های کالبدی و محیطی (شاخص‌های عمر بنا، مساحت واحدها، دارا بودن پروانه ساختمانی، تعداد اتاق‌ها، دسترسی به کاربری‌ها و امکانات و خدمات شهری، کمیت و کیفیت کاربری‌ها و خدمات، کمیت و کیفیت خدمات درون واحدهای مسکونی)، بیان‌کننده وجود فقر و فرسودگی کالبدی و محیطی در بافت قدیم شهر کاشان است.

دو عامل عمده بر شدت فقر و فرسودگی بیشتر بافت قدیم شهر کاشان موثرند: یکی افت کالبدی و عملکردی بافت قدیم که با خروج ساکنین بومی از بافت همراه شده و دیگری تأثیر سیستم‌های هدایت و کنترل شهری بر کالبد و عملکرد بافت قدیم. با خروج این گروه از ساکنین، بافت اجتماعی و فرهنگی دچار تغییراتی گردیده است. بیشتر کسانی که در محدوده باقی مانده ند یا از نظر مالی توان خروج از محدوده و سکونت در نقاط بهتر را ندارند و یا از

گروه سالمندان می‌باشند و با توجه به بالا بودن نسبت گروه سنی سالمندان، این امر عینی و مسلم است. ساکنین باقیمانده از وضعیت سواد مناسبی برخوردار نبوده و از نظر مالی و اقتصادی ضعیف هستند. آنان، اکثریت در گروه شغلی کارگران، مشغول به فعالیت می‌باشند. از سوی دیگر با توجه به نقش و عملکرد فعالیتی بازار، این محدوده به‌عنوان یکی از مسیرهای مهاجرتی مهاجران، به‌منظور دستیابی به شغل و درآمد مطرح است. هر چند که همزیستی تقریباً مسالمت‌آمیزی بین این اقشار مختلف بافت، وجود دارد اما نداشتن هویت تاریخی و اجتماعی مشترک، تشکیل و پایه‌ریزی همبستگی و تعاملات قوی و ساختارمند را در بین آنان دشوار نموده است. ناهمگونی قومی و فرهنگی به وجود آمده در بافت اجتماعی محدوده، بر احساس تعلق خاطر ساکنین به محل سکونتشان تأثیر منفی می‌گذارد و تمایل به مهاجرت را در آنان بیشتر می‌سازد. سطح تعاملات اجتماعی و سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی نیز به دنبال این تحولات کاهش پیدا کرده و نگرش نسبت به آینده محدوده و همچنین فعالیتهای مشارکتی تغییر می‌نماید. آسیب‌های اجتماعی در محدوده‌های به مرور زمان افزایش یافته و سطح امنیت اجتماعی در محدوده نیز به دنبال آن کاهش می‌نماید. بنابراین کاهش روز افزون کیفیت محیط کالبدی و اجتماعی و عملکردهای موجود و تعمیق روند زوال و فروپاشی بافت همزمان با شدت‌یابی تفکیک طبقات و با ترک گروه‌های اجتماعی متمکن و یا صاحبان ارزش‌های جدید و هجوم روستائیان فقزرده و اقشار کم‌درآمد به بافت، باعث تشدید وضعیت فرسودگی و فقر در بافت قدیم شهر کاشان است.

تقویت اجتماعات محلی، گسترش بینش اجتماعی، توانمندسازی اجتماعات فردی، توجه به نیاز گروه‌های خاص اجتماعی، تأکید بر پایداری منابع محیطی از طریق ایجاد پایداری در ابعاد مختلف سیستم شهری، ایجاد اشتغال و بهبود عرضه و تقاضای بازار نیروی کار از طریق جذب یا ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت نیروی کار و ارزیابی عناصر کالبدی و جستجوی محدودیت‌ها و توان‌های بالقوه کالبدی و تطبیق کالبد با تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی شیوه‌هایی هستند که در بکارگیری رهیافت تجدیدحیات شهری برای کاهش فرسودگی و فقر شهری در بافت قدیم شهر کاشان بر آنها تأکید می‌گردد و از این طریق هویت اجتماعی و زمینه‌های مشارکت و پایداری بیشتر بافت در جهت کاهش فرسودگی و فقر شهری در بافت قدیم شهر کاشان تحت پوشش پروگرام‌های تجدیدحیات شهری ایجاد می‌گردد.

## کتابشناسی

۱. اسماعیل پور، نجما و محمدحسن رحیمیان و سحر قربانی (۱۳۹۱)، بازآفرینی بافتهای فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛ مطالعه موردی محله کشتارگاه در شهر یزد، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره پانزدهم، زمستان، صفحات ۱۲۳-۱۴۰؛
  ۲. آیینی، محمد و اردستانی، زهراسادات (۱۳۹۸)، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درونزای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری)، هویت شهر، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان، صفحات ۴۷-۵۸؛
  ۳. جباری، حبیب (۱۳۸۴)، رویکردهای اجتماع مدار در برنامه‌های کاهش فقر، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم شماره ۱۸؛
  ۴. دانشپور، زهره (۱۳۸۱)، درسنامه تعریف برنامه‌ریزی مرمت (نوگردانی) شهری با تأکید بر تجارب دو کشور انگلستان و ایالت متحده آمریکا، تهران، دانشگاه شهید بهشتی؛
  ۵. شفائی، سپیده (۱۳۸۵)، راهنمایی شناسایی مداخله در بافتهای فرسوده (مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) تهران: انتشارات شرکت اید پردازان؛
  ۶. مهندسان مشاور خانه و کاشانه (۱۳۸۹)، طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده کاشان؛
  ۷. مهندسان مشاور خانه و کاشانه (۱۳۸۸)، طرح جامع شهر کاشان؛
  ۸. مجیدی خامنه، بتول و علیرضا محمدی (۱۳۸۳)، درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری، جغرافیا (نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷ پاییز و زمستان، صفحات ۱۳۵-۱۴۵؛
9. Baharoglu, D., Kessides, C. (2002), A Source Book For Poverty Reduction Strategies, Chapter 16, Urban Poverty, Macroeconomic And Spectral Approaches, Vol.2, Pp. 123-159;
  10. Couch, C. (2003), Urban Regeneration in Europe, First Published, Blackwell: London;
  11. Fields, G.S., (۱۹۹۴), "Poverty and income Distribution Data for Measuring poverty and Inequality Changes in the Developing Countries", Journal of Development Economics, Vol 44;

12. Islam, A. (2005), *Sociology of Poverty: Quest For A New Horizon*, Bangladesh, *Jornal Of Sociology*, Vol.2, No.1, pp.2-16;
13. Jitsuchon, Somchai (2001), "What Is Poverty And How To Measure It?". *TDR Quarterly Review*, Vol. 16, No;
14. Piran, P. (2002), *Poverty Alleviation in Sistan and Baluchestan: the Case of Shirabad, Iran*: UNDP;
15. Roberts, P. And Sykes, H. (2000), *Urban Regeneration, A Handbook*, First Published, Sage Publication: London;
16. Sen, A. "A Sociological Approach to the Measurment of Poverty": *Oxford Journals*, 1981;
17. Townsend Heinemann. P, (Ed), *the Concept of Poverty*. London; 1979;
18. UNDP (1990, 2000, 2003), *Human Development Report*;
19. UNEP, 2 UNDP (2004), *Guidelines for Urban Regeneration in The Mediterranean Region, Priority Actions Program Regional Activity Centre*;
20. UN-Habitat (2005), *Slums Of The World, The Face Of Urban Poverty In The New Millennium*;
21. Wong, Z. (2006), "Innovation and Urban Deprivation", *People, Place & Policy Online*: 1/1, Pp. 14-21;
22. World Bank (2000), *Urban Policy and Economic Development*, Washington Dc. The World Bank;
23. World Bank (2003), *A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies*, Chapter ۱۲ (Macroeconomic Issues);